

دماوند در اسطوره‌های ایرانی

سعید بشیرتاش



ارتباط دماوند با جشن تیرگان و نیز برخی دیگر از اسطوره‌های ایرانی موضوع این نوشتار است و همچنین خواهیم دید که در اسطوره‌های ایرانی دماوند نمادی ملی و معنوی است.

سیزدهم تیرماه جشن تیرگان است و مدتی است که این روز را «روز ملی دماوند» نیز نامیده‌اند. ارتباط دماوند با جشن تیرگان و نیز برخی دیگر از اسطوره‌های ایرانی موضوع این نوشتار است و همچنین خواهیم دید که در اسطوره‌های ایرانی دماوند نمادی ملی و معنوی است.

استاد پورداوود با استناد به گزارش‌ها و ویژگی‌هایی که در اوستا درباره‌ی کوه هرا (البرز) آمده است مینویسد: «هرا اساساً یک کوه مینویی (معنوی) و مذهبی بوده. بعدها این اسم را 'البرز' یا 'هربرز' گفته‌اند.

در بندهش نیز، بارها از البرز یاد شده و آمده است که در هشتصد سال به درجه‌ی کمال رسید و ۲۲۴۴ کوه دیگر از آن منشعب شده‌اند. در فصل بیستم بندهش آمده است: «همان‌گونه که روشنایی از البرز بهدرآمده دگرباره به سوی آن فرود می‌آید، آب نیز از البرز بیرون آمده و به آن فرومی‌رود.

در فصل چهل‌ونهم مینوی خرد آمده است که و نند، ستاره‌ای که پشت بیست‌ویکم ویژه‌ی اوست، برای نگاهبانی دروازه و گذر البرز گماشته شده و جایگاه سروش، حافظ آفریده‌های خدا، نیز در قله‌ی البرز (دماوند) است. در یسناهایی از اوستا، دماوند «جایگاه مهر» خوانده شده است. مهر همان پرتو خورشید است. در سپیده‌دم، ابتدا مهر را می‌بینیم و سپس خورشید پدیدار می‌گردد؛ و این مهر است که ابتدا به انسان و جهان نور و گرما می‌بخشد.

در بند دوازدهم و سیزدهم پشت دهم یا مهریشت، مهر چنین وصف شده است: «اوست که پیشاپیش خورشید نامیرای تیزاسب از این سر به آن سر هرا، یعنی البرز، میرسد. مهر نخستین خدایی است که قله‌های زیبای زرگون هرا را فرامی‌گیرد و از آنجا [دماوند] این نیرومندترین [مهر] بر سراسر سرزمینی که ایرانیان در آن جایگزین هستند نظارت دارد.

نخستین ایزدمینوی که پیش از خورشید فناپذیر تیزاسب در بالای کوه هرا برآید؛ نخستین کسی که با زینت‌های زرین «آراسته از فراز کوه زیبا سر به‌رآورد از آنجا؛ آن مهر بسیار توانا تمام منزلگاهان ایرانی را بنگرد - آنجایی که «شهریاران دلیر قوای بسیار مرتب سازند.

اوستا رشته کوه البرز را جایگاه آفرینش آدم معرفی میکند. کیومرث، که در اسطوره‌های ایرانی نخستین انسان است، به گفته‌ی تاریخ بلعمی، در کوه دماوند میزیسته و مزار فرزندش نیز در آنجاست؛ با این تفصیل که، چون فرزندش کشته شد، خداوند چاهی بر سر کوه برآورد و کیومرث فرزند را در چاه فروهشت. بلعمی سپس از مغان نقل کند که «کیومرث بر سر کوه آتش افروخت و آتش به چاه اندر افتاد و، از آن روز تا امروز [روزگار بلعمی]، دهپانزده بار پرزند و به هوا برشود؛ و از مغان نقل می‌کند که این آتش دیو را از فرزند او دور دارد.» در دینکرد نیز، کیومرث به «گرشاه»، یعنی شاه کوهستان (دماوند)، ملقب شده است.

در اوستا، قله‌ی کوه هرا (دماوند) در کنار نام پروردگار و زرتشت آمده و به هر سه‌ی آن‌ها درود فرستاده شده است: «ما پندار نیک، گفتار نیک، و کردار نیک را بزرگ می‌شماریم. با غیرت برای نیکی می‌کوشیم. ما به سرچشمه‌های آب و به گذرهای آب درود می‌فرستیم و به شعبات و تقاطع راه درود می‌فرستیم. کوه‌هایی که از (بالای آن‌ها) آب جاری موجود است و به دریاچه‌ها و استخرها و به مزارع گندم درود می‌فرستیم؛ و به مزدا و زردشت و به قله‌ی کوه هرا درود می‌فرستیم.»

هوشنگ پیشدادی، پادشاه دادگر ایرانویج، نخستین کسی بود که آهن را شناخت و آن را از سنگ استخراج کرد و از آهن ابزاری مثل تبر و اره و تیشه درست کرد. او همچنین به مردم کشاورزی آموخت. جشن سده از دوران وی به یاد مانده است. هوشنگ پیشدادی نیز در بالای قله‌ی البرز (دماوند) با قربانی کردن برای خدا از او برای برانداختن دروغ‌گویان یاری می‌طلبد و به زمین و آسمان و دماوند درود می‌فرستد: «از برای او، پروردگار، هوشنگ پیشدادی در بالای کوه هرا صد اسب، هزار گاو، ده‌هزار گوسفند قربانی کرد. او، خدای، را بستود هوشنگ پیشدادی، در بالای قله‌ی کوه هرا ... از او درخواست این کامیابی را به من ده ... که من ... دروغ‌پرستان ورن را برافکنم. به زمین و آسمان درود می‌فرستم ...» و به قله‌ی کوه هرا درود می‌فرستم.

دماوند همچنین راهی است به سوی جهان جاودان و یک سر پل چینوت بر آن تکیه دارد. در اوستا می‌خوانیم: «در وسط زمین، کوه تیره، که قله‌ی البرز است، قرار دارد و، از آنجا تا به عرش، پل چینوت کشیده شده که روان‌ها پس از مرگ در سفر خویش به سوی بهشت یا دوزخ باید از آن بگذرند.» ضحاکانی هم که در دماوند به بند کشیده شده‌اند ره به سوی دوزخ می‌برند. جمشید، شاه ایران، که واپسین مقاومت‌هایش در برابر ضحاک، یورشگر بیگانه، در پایه‌های این کوه است، راهی بهشت جاودانه‌ی تاریخ ایرانیان می‌گردد. همین گونه است سرنوشت کاوه‌ی آهنگر.

در داستان کاوه‌ی آهنگر می‌خوانیم که، پس از پیروزی قیام مردم ایران بر ضحاک ماردوش، که جان و مغز و اندیشه‌ی جوانان ایران‌زمین را از آنان می‌ستاند، فریدون و کاوه او را در کوه دماوند زندانی کردند تا مردمان از گزندش در امان باشند. دماوند نماد پیروزی قیام آزادیخواهانه‌ی ایرانیان بر استبداد ضحاک است. ایرانیان پس از پیروزی بر ضحاک وی را نکشتند و تنها به زندان افکندند تا مردمان از او در امان باشند. پس از پیروزی کاوه بر ضحاک، درفش کاویانی بر دماوند برافراشته می‌شود و، با برافروختن مشعل، نوید پیروزی از البرزکوه به سراسر ایران‌زمین اعلام می‌گردد.

دماوند همچنین جایگاه سیمرغ، مظهر دانایی و خرد کامل، است. زال را، که کودکی بی‌گناه است و تنها به سبب متفاوت بودن محکوم به دوری از شهر و مردمان شده و جان‌ش در خطر است، سیمرغ نجات می‌دهد و او در کوه دماوند بزرگ می‌شود. سیمرغ، که نماد پزشکی هم هست، در زایش رستم، پهلوان بزرگ ایرانی، نیز نقشی اساسی دارد؛ همچنان که به پهلوان ایران‌زمین نقطه‌ی ضعف دشمن، چشم اسفندیار، را نشان می‌دهد تا بتواند بر او پیروز شود.

دماوند جایگاه چمروش هم هست – پرنده‌ای غول‌آسا که دشمنان ایرانیان را نابود میکند. چمروش نماد مقاومت ملی ایرانیان در برابر یورش بیگانگان است. در بندهش می‌خوانیم که، هر گاه ایران‌زمین هدف هجوم و غارت بیگانگان واقع می‌شود، چمروش به بالاترین نقطه‌ی دماوند می‌رود و پروازکنان بهسان پرنده‌ای که به دانه‌های ذرت نوک می‌زند انیرانیان متجاوز را برمی‌چیند.

دماوند یادآور یکپارچگی سرزمینی ایران است. از فراز قله‌ی دماوند است که آرش کمانگیر – در اوستا «ارخش» – به هنگام یورش دشمنان به ایران، با گذاردن جان در کمان، یکپارچگی سرزمینی ایران را تضمین می‌کند: «آرش تیری بی‌فکند که از بامداد تا نیمروز برفت و به کنار جیحون فرود آمد و جیحون حدّ شناخته شد.»

ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه، به هنگام توصیف جشن تیرگان، داستان آرش را بازگو می‌کند و می‌گوید که این جشن از روز حماسه‌آفرینی آرش پدید آمد.

فرزندان ایران‌زمین هزاره‌هاست که در دامنه‌های زیبا و سرسبز دماوند به زندگی و شادمانی می‌پردازند. گاه ضحاکان بر ایرانیان چیره گشته و شادمانی آنان را به تیره‌روزی بدل کرده‌اند؛ اما اسطوره‌ی دماوند همچنان ما را به قیامی کاوه‌وار می‌خواند تا ضحاک ماردوش را، که نماد افکار استبدادی است، به بند کشیم و، با حاکم گرداندن رواداری، زندگی نویی را آغاز کنیم تا بار دیگر شادمانی به خانه‌هایمان بازگردد.

من دماوند، این بلندای ایران زمین، را از کودکی از زادگاهم، تهران، بارها دیده‌ام؛ همچنان که مهر را، که از پس دماوند به ایران زمین روشنایی میبخشد. دماوند یادآور خاطرات کودکی من و میلیون‌ها ایرانی چون من است. دماوند جایگاه مهر و خردمندی و یادآور پیروزی روشنایی و آزادی و رواداری و شادی است. دماوند یادآور فرهنگ و اسطوره‌های ایرانی است. باشد که، در دامنه‌های زیبای آن، کودکان سرزمینم شادمانه بزنند/

+++++

برچیده تبرستان از خبرنامه گویا. دوشنبه 15 تیر 1394 / 6-7-2015

<http://news.gooya.com/politics/archives/2015/07/199321.php>